

# بزرگ بانوی هستی

(اسطوره - نماد - صور ازلی)

با مروری بر اشعار فروغ فرخزاد

گلی ترقی



استشارات پیام مهر

ترقی، گلی، ۱۳۱۸ -

بزرگ بانوی هستی (اسطوره - نماد - صور ازلی) با مروری بر اشعار فروغ  
فرخزاد / گلی ترقی - تهران: نیلوفر، ۱۳۸۶.

ISBN 964-448-279-4

۱۵۷ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. اساطیر، ۲. فرخزاد، فروغ، ۱۳۱۳ - ۱۳۶۵ - نقد و تفسیر، ۳. نمونه ازلی.

الف. عنوان.

۲۰۱/۳

۴ پ ۳۱۲ / BL

م ۸۴-۳۳۴۲۰

کتابخانه ملی ایران



انتشارات نیلوفر، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

گلی ترقی

بزرگ بانوی هستی (اسطوره - نماد - صور ازلی)

با مروری بر اشعار فروغ فرخزاد

ویراستار: مزده دقیقی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶

حروفچینی: شبستری

چاپ گلشن

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۴۲۸-۲۷۹-۴

## فهرست

|     |                                                    |
|-----|----------------------------------------------------|
| ۷   | پیشگفتار                                           |
| ۱۳  | صورت ازلی چیست؟                                    |
| ۲۹  | اسطوره چیست؟                                       |
| ۴۹  | تجلی بزرگ بانوی هستی در اشعار فروغ فرخزاد          |
| ۹۳  | خدایان عصر علم و تکنولوژی                          |
| ۱۰۳ | آن که پرنده نیست همان به که بر پرتگاه آشیانه نسازد |
| ۱۱۳ | در آمیختگی نور و ظلمت                              |
| ۱۲۳ | سفری دوزخی به عالم تاریک زیر جهان                  |
| ۱۳۳ | سفر به انتهای وجود                                 |
| ۱۴۳ | اسطوره‌ی تولد قهرمان                               |
| ۱۵۵ | فهرست نام‌ها و کتاب‌ها                             |

## پیشگفتار

نوشته‌های کتاب حاضر، با توجه به اهمیت اسطوره و نماد و نقش بنیادین صورت‌های ازلی در زندگی انسان نوشته شده است. اکثر آن‌ها، به جز بررسی اشعار فروغ فرخزاد، در مجله‌های ادبی، پیش از انقلاب، به چاپ رسیده‌اند. مضمون مشترک در این نه نوشته، پرسش از مفهوم اسطوره و رابطه‌ی آن با انسان و حیات درونی اوست. از نظر جوزف کمپل، اسطوره‌شناس بزرگ آمریکایی، هر اسطوره، با شکل و ساختمان خاص خود، گویای نیازهای روحی آدمی است و هر نسل محتاج نمادها و اساطیر خود است و اگر چنین نباشد گفتگوی انسان و جهان پایان می‌گیرد و بین آدمی و طبیعت فاصله می‌افتد. اسطوره مبین نوعی جهان‌بینی و نحوه‌ی حضور در عالم است، عالم کشف و شهود و تخیل. انسان اساطیری خود را با طبیعت و تمامی هستی یکی می‌داند و سر و کارش با حقایق ازلی و ساحت دیگری از وجود است. در دوران کنونی، از آنجا که علم و سیاست حاکم بر احوال انسان مدرن شده است، نیروهای متعالی ذهن و روان تبدیل به ابرقدرت‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌های سیاسی شده‌اند. کمونیسم و فاشیسم هر یک، چون مذهبی مطلق، مدعی رستگاری و خوشبختی آدمی

بودند که در نهایت به شکست انجامیدند. شک نیست که معیارهای والای اجتماعی، آزادی، تأمین حقوق انسانی و تحولات تاریخی عاملی بزرگ در تعیین سرنوشت و خوشبختی انسان است اما، از آنجا که آدمی موجودی چند ساحتی است و در عمق جانش نیازمند ساحتی دیگر از هستی است، پرسش از نیستی و تولد، زندگی بعد از مرگ، گریز از زمان و آرزوی جاودانگی همواره دغدغه‌ی ذهنی او بوده است و او هنوز و همچنان نیازمند آن است که گاه به تقلید و تکرار اشارات اساطیری برخیزد و با زمان بیکران آغاز هم‌عهد و هم‌عصر شود.

در زبان رایج قرن نوزدهم هرآنچه مخالف با واقعیت یا گفتار دینی تورات و انجیل بود، اسطوره نامیده می‌شد و، بر اساس چنین تصویری، اساطیر مترادف با افسانه‌هایی پوچ و موهوم بودند که از ذهنیتی عقب‌مانده و ناآگاه برمی‌خاستند. در قرن بیستم، با پژوهش‌های انسان‌شناسان و متفکران ادیان تطبیقی، شناخت اسطوره و درک معانی نمادین آن آغاز شد. میرستا الیاده اساطیر انسانی ابتدایی را «جهان‌شناسی آغازین» نامید و به این نتیجه رسید که اسطوره داستانی مقدس است که به راز آفرینش و مبدأ هستی انسان و جهان توجه دارد. اسطوره (میت) و به قول یونانیان میتوس (Mythos)، کلام مقدس و صورت ازلی هرآیین عبادی و اجتماعی است که در زمان آغاز توسط خدایان و قهرمانان اساطیری انجام گرفته و سرمشقی برای تقلید و رفتار انسان‌هاست. نماد زبان اسطوره و آیین تکرار اعمال خدایان و حوادث اساطیری است. به عنوان مثال، در طی مراسم عبادی کلیسای کاتولیک، هر مسیحی با نوشیدن شراب و خوردن نان که نماد خون و گوشت مسیح است، نه تنها به راز مرگ و رستاخیز مسیح فعلیت می‌بخشد، بلکه در تشبه و یکی شدن با او به ساحت دیگری از

هستی قدم می‌گذارد و، در طول مدت زمان مراسم عبادی، با زمان مقدسی که با تولد مسیح آغاز شده، هم‌عصر می‌شود.

توجه روانکاوان به اسطوره و معنی‌نمادها و آیین‌های ابتدایی و کشف روان ناآگاه، دریچه‌ای دیگر به روی شناخت مضامین اساطیری و نمادها گشوده است. فروید، به بررسی اسطوره‌ی ادیپ و تابلوی سنت آن اثر داوینچی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که اسطوره بیانگر تنش‌ها و تضادهای روانی‌ست که بخشی از حیات فردی و ناآگاه هر شخص است. او با جزمیت مطلق در تعریف لیبیدو و حاکمیت تمایلات جنسی، معنایی جدید از اسطوره به دست می‌دهد که یک‌طرفه و محدود است. یونگ، با افزودن روان ناآگاه جمعی به ساختمان روانی انسان، به تعریفی آنتولوژیک و تفسیری جامع‌تر می‌رسد. از نظر او مضامین اساطیری و صورت‌های ازلی از ابتدای هستی در بطن وجود انسان خفته‌اند و در طول تاریخ، در زمینه‌های گوناگون: رویا، مراسم عبادی، قصه‌های عامیانه، رفتارهای روانی و خلاقیت‌های هنری متجلی می‌شوند و گویای وضعیت روانی و نیازهای روحی انسانند. تمامی شعر تلاش برای برانداختن زبان روزمره‌ی عبارت و بازآفرینی زبانی اشارت‌آمیز است. بنا بر این هر آفرینش شاعرانه، همانند آیینی اساطیری، نقب به ساختی دیگر می‌زند، از زمان کرانه‌مند تاریخی برمی‌گذرد و از روزنه‌ای مرموز نگاه به عالمی دیگر، فراسوی دنیای محسوسات، می‌افکند. در بسیاری از اشعار فروغ فرخزاد صحبت از جایی دیگر است، از «جهان شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی»، «از زمینی که زکشتی دیگر بارور است»، و از ستاره‌ای که «هزاران هزار سال از انجماد خاک و مقیاس‌های پوچ زمین به دور است». سهم او از برگ‌های تاریخ یک لحظه است، یک لحظه‌ی ابدی که تمامی هستی او و کیهان را

در بر می‌گیرد. گفته‌اند که برای شاعر بزرگ گذشته وجود ندارد زیرا نسبت او با جهان طوری‌ست که گویی در لحظهٔ پیدایش عالم حضور دارد و معاصر اولین روز خلقت است.

یونگ معتقد است اگر معنای آرکتیپ‌ها (صور ازل) و روان ناخودآگاه جمعی را بازشناسیم، می‌توانیم با نیروهایی که چون خدایان بر افعال و اذهان ما حاکم هستند از در آشتی درآییم و از جنبه‌های شفاف‌بخش آن‌ها بهره‌مند شویم. اما اگر برعکس، با تعصب و کوته‌نظری خواست‌های روان ناآگاه را سرکوب کنیم، نیروی آرکتیپ یا صورت ازل به قدرتی زهرآگین و مخرب تبدیل می‌شود. این صور حامل پیام از روان ناآگاه ما هستند و نیمه‌ی عقلانی و آگاه ما را با ارزش‌های متعالی و روح طبیعت و جهان عشق و تخیل پیوند می‌زنند. اریک نویمان، که از پیروان یونگ و مکتب روانشناسی اعماق است، تحقیق درباره‌ی صورت‌های ازل و آرکتیپ بزرگ‌مادر یا جان مادینه‌ی روان را از وظایف مهم و ضروری روانشناسی اعماق می‌داند. او معتقد است که در فرهنگ مردسالار و عقل‌گرای کنونی تمامی تأکید به روی اصل نرینه‌ی روان است، و بحران‌های روحی ناشی از همین عدم تعادل روانی و حاکمیت مطلق خودآگاهی‌ست. از این رو، مطالعه‌ی صورت ازل بزرگ‌بانوی هستی و ارزش‌های مادینه و ارتباط آن با شخصیت و احوال آدمی کمک مؤثری در راه درمان مسائل فرهنگی‌ست. آدمی با دور شدن از مادر اساطیری و نیروهای پنهانی ناخودآگاه به موجودی تک‌ساحتی مبدل گشته است و ملال و افسردگی و هراس و دلهره‌های او از اینجاست. یونگ نیز معتقد به ایجاد هم‌آهنگی و توازن بین نیروهای مادینه و نرینه‌ی روان، میان اروس و لوگوس، میان ارزش‌های عقلی و معنوی‌ست. چنین اتحادی نه تنها باعث تکامل شخصیت آدمی

می‌شود بلکه بین او و جهان نسبتی نوین برقرار می‌کند و به هستی او بُعدی دیگر می‌بخشد.

در ادبیات معاصر ایران، در اشعار فروغ و بوف کور هدایت، بیش از هر اثر دیگر، شاهد ظهور و حضور صورت ازلی بزرگ‌بانو یا اصل مادینه‌ی روان هستیم. در اشعار فروغ، بزرگ‌بانوی هستی در جلوه‌های اساطیری چون زمین‌مادر، ظلمت‌جاودان، ایزدماه، و تمامی طبیعت و جهان راز و عشق و تخیل متجلی می‌شود. در بوف کور بزرگ‌مادر، برخاسته از اعماق روان ناآگاه، در قالب زنان گوناگون با چهره‌های بهشتی و دوزخی و یا زنان واقعی ظهور می‌کند. جای آن بود که مقایسه‌ای جامع‌تر از این دو اثر هنری به این مجموعه اضافه می‌شد. بماند برای بعد اگر فرصتی بود.